Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Nineteenth year, No 76, Summer 2025

Comparative study of the verse “So wait, for I am with you among those who wait” from the perspectives of both parties

Dr. Sayyed Ziaoddin Olyanasab [1]

Dr. Mortaza Abdichari [2]

Rahele Kamran Azad [3]

Abstract

The expression "Fantazirua eni ma'akum min-al-muntazireen" is found in three verses of the Holy Quran. The purpose of this article; It is a comparative study of the meaning and belonging of the expectation in the interpretations of the parties. The collection of research information was done in the form of a library and the study of the most important Shia and Sunni interpretations in this regard, and the opinions of the scholars of Fariqin were counted. The processing of the research was done in a comparative manner, the commonalities and differences of the interpretations of the parties were determined in terms of meaning and expectations, and in some cases, the Qur'anic and narrative analysis was added to it. The findings of the research showed: Shia and Sunni scholars in three of these opinions; That is, the expectation of punishment, the expectation of God's judgment, and the expectation of an answer to the request for a miracle from the polytheists have a common point of view, but a group of Shia commentators have raised the expectation of God's order and traditions.Another group of Shia commentators have also interpreted "fantazirua" as the meaning of "waiting for relief" by referring to the interpretation traditions. Two different Shiite views can be combined with the common views of the parties. Because the rise and rise of Imam Mahdi is also the divine tradition, the decree and judgment of God, the final answer and punishment to the polytheists and the opponents of the Prophets' disobedience throughout history. "Farja-al-Sharif" will be realized.

Keywords: waiting, Faraj, Ahl al-Sunnah, Shia, Qur'an, special verses

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran(Corresponding author)(z.olyanasab@hmu.ac.ir)
2. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (m.abdichari@isca.ac.ir)
3. Level 4 student, Applied Interpretation, Masoumieh Institute of Higher Education, Qom, Iran (Kamranazad.r@gmail)

مشـــرق موعود
فصلنامـه علمـی - پژوهشـی مهدویـت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره نوزدهم/ شـماره ۲ (پیاپی ۷۶) / تابستان ۱٤۰٤

بررسی تطبیقی دلالت آیهٔ ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ بر انتظار امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از منظر فریقین*

سید ضیاءالدین علیانسب[۱]
مرتضی عبدی چاری[۲]
راحله کامران آزاد[۳]

چکیده

مفهوم انتظار در آیهٔ ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّيْ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ از انتظار عذاب تا فرج مهدوی، نیازمند بررسی تطبیقی تفاسیر فریقین است. هدف نوشتار حاضر، بررسی تطبیقی معنا و متعلق انتظار در تفاسیر فریقین است. گردآوری اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه‌ای با مطالعه مهم‌ترین تفاسیر شیعی و اهل‌سنت انجام گرفت و نظرات علمای فریقین احصا گردید. پردازش تحقیق به صورت تطبیقی انجام یافت و اشتراکات و افتراقات تفاسیر فریقین در معنا و متعلق انتظار مشخص شد؛ در مواردی نیز تحلیل قرآنی و روایی بر آن افزوده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد: علمای شیعه و اهل‌سنت در سه مورد؛ انتظار نزول عذاب، انتظار داوری خداوند و انتظار پاسخی در برابر درخواست معجزه از مشرکان، دیدگاه مشترکی دارند. لکن گروهی از مفسران شیعه انتظار امر و سنن خداوند را مطرح کرده و گروه دیگری با استناد به روایات تفسیری، «فَانْتَظِرُوا» را انتظار فرج معنا کرده‌اند .دو دیدگاه افتراقی شیعی با دیدگاه‌های مشترک فریقین قابل جمع است؛ چراکه ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سنت الهی، قضای خدا و عذاب مخالفان انبیاء در پایان تاریخ است.

واژگان کلیدی
انتظار، فرج، اهل‌سنّت، شیعه، قرآن، آیات مختص.

مقدمه

یکی از آیاتی که مفسران قرآن کریم در تفسیر آن، اختلاف جدی دارند، عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ است که در سه آیه(اعراف: ۷۱؛ یونس: ۲۰؛ یونس: ۱۰۲) به کار رفته

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴
۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیهاالسلام، قم، ایران(نویسنده مسئول) (z.olyanasab@hmu.ac.ir).
۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران(m.abdichari@isca.ac.ir).
۳. سطح چهار تفسیرتطبیقی مؤسسه آموزش عالی معصومیه، قم، ایران(Kamranazad.r@gmail.com).

است. بعضی محدثان و مفسران شیعه، روایاتی نقل کرده‌اند که منظور از انتظار در این عبارت را انتظار فرج می‌دانند. در دیگر منابع تفسیری شیعه و منابع اهل‌سنت، نظرات دیگری در مورد این عبارت بیان شده است.

اهمیت بحث از صحّت و سقم این مطلب از آن جهت است که انتظار فرج یکی از بهترین اعمال در عصر غیبت است و روایات فراوان و کتاب‌های متعددی در آن خصوص، نگارش یافته است. هدف نوشتار پیش‌رو، بررسی تطبیقی تفاسیر و منابع حدیثی شیعه و اهل‌سنت، در مورد عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ است تا از طریق آن منظور از انتظار در این آیه و زمینه‌ی شناخت بیشتر معانی آیات و صحت و سقم دیدگاه‌ها روشن شود. عدم طرح این مبحث در کتب و مقالات به صورت مستقل، ضرورت نگارش نوشتار پیش‌رو را نمایان ساخته است.

این مقاله با بهره از آیات، روایات، منابع تفسیری و شرح حدیث از شیعه امامیه و اهل‌سنت و نیز با بهره از عقل و با ابزار کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات نموده و با روش تطبیقی به پردازش اطلاعات پیرامون بررسی عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ می‌پردازد و درصدد پاسخ به این سؤال است که دیدگاه تفاسیر شیعه و اهل‌سنت درباره این تعبیر چیست؟ اشتراکات، افتراقات و عوامل آن در تفسیر آیه چیست؟

نوشتار حاضر می‌تواند به درک بهتر پویایی تعاملات اجتماعی میان دوگروه شیعه و اهل‌سنت کمک کند و با تحلیل دقیق مفهوم انتظار در عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ به دنبال ارائه چارچوب برای مدیریت انتظار و ارائه راهکارهای مؤثر برای حل اختلاف بین طرفین است.

در مورد این آیه پیشینه قابل توجهی در تفاسیر و کتب روایی شیعه و اهل‌سنت وجود دارد. این آیه به دلیل ابهام در مصداق منتظرین و ارتباط احتمالی با مفهوم انتظار فرج، همواره مورد توجه تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. با جستجوی فراوان در کتب و مقالات، منبعی که به بررسی تطبیقی این آیه از منظر فریقین پرداخته باشد یافت نشد. فقط شیخ‌علی کورانی عاملی در جلد هفتم کتاب معجم احادیث الامام المهدی، آیه﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ را به انتظار ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تفسیر نموده و احادیث آن را بیان کرده‌اند. غلامحسین تاجری‌نسب نیز در مقاله مهدویت در قرآن: آیات مختص، آیه را مربوط به امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌داند و ذیل آن به دو حدیث اشاره می‌کند. همچنین محمدعلی رضایی در پاورقی مقاله آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری این آیه را جزء آیات مرتبط با مهدویت ذکر

کرده است. در این منابع هر چند به طور کلی به این آیه پرداخته شده ولی تعبیر﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ به صورت مستقل مورد بحث و پژوهش قرار نگرفته است. نوشتار حاضر درصدد است دیدگاه‌های فریقین را در این خصوص به صورت تطبیقی و تحلیلی مورد مطالعه قرار دهد.

مفهوم‌شناسی

لازم است واژه‌های انتظار، فرج و آیات مختص بررسی شود.

۱. انتظار

واژه‌های«فَانْتَظِرُوا» و «مُنْتَظِرِين» از ریشه «ن ظ ر» است. نظر در لغت سه کاربرد دارد:

ـ به معنای تأمل و دقت در چیزی با چشم به کار می‌رود(ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۵، ص. ۴۴۴؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۸۳۰).

ـ بازگرداندن چشم ظاهر و باطن برای دیدن و درک شی که گاهی از آن تأمّل و بررسی اراده می‌شود و گاهی منظور از آن، معرفت حاصل بعد از فحص است(راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۸۱۲).

ـ نظر به معنای انتظار و به تأخیر انداختن به کار رفته است(جوهری، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۸۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۸۱۳).

انتظار از مادهٔ«نظر» باب إفتعال، به معنای انجام ندادن کار، توقّف کردن و مهلت دادن است(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۸، ص. ۱۵۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص. ۲۱۶). «فانتظروا» در آیات مدّنظر فعل امر از همین باب و به معنای إنتظار چیزی را کشیدن است.

بنابراین ماده‌ی«ن‌ظ ر» در لغت به معنای توجّه به چیزی ظاهری یا باطنی به همراه دقّت و تأمّل در آن، است. این ماده همچنین به معنای توقّف از انجام فعل و انتظار چیزی را داشتن است.

اگرچه واژه انتظار، اصطلاح خاصی است تعریف جامع و مانعی برای این واژه ذکر نشده، بلکه بیان شرح‌الاسمی است: عصر انتظار یعنی از زمان غیبت صغری انتظار و امید به آینده بهتر، ایمان به پیروزی عدالت و حقیقت، باور داشتن به نابودی قطعی پلیدی و ناپارسایی و بیدادگری در پایان از ارکان مهم ادیان زنده جهان است(علیانسب، ۱۴۰۲، ج۱، ص. ۲۹۹).

امروزه از انتظار دو نوع برداشت می‌شود: انتظار مثبت: به معنای آمادگی و تربیت نیرو در همه زمینه‌ها و حالتی سازنده و تکاملی که تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. انتظار

منفی: به معنای رها کردن کار و تسلیم شدن که ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده است. برداشت منفی از انتظار باعث تعطیلی حدود و مقررات اسلامی و نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود و با موازین قرآنی و اسلامی وفق نمی‌دهد.

اندیشمندانی مانند امام خمینی، شهید صدر و شهید مطهری که انتظار مثبت را مطرح کرده‌اند، شخصیت‌های ژرف‌اندیش فکری بودند که رهبری فعالیت‌های بزرگ و جهادی را نیز عهده‌دار شدند و بخش مهمی از عمر خود را در مسیر حرکت‌های سیاسی اجتماعی صرف کردند. از نظر این صاحب‌نظران مفهوم انتظار همسان و ملازم با کنشگری، تلاش و قیام است نه بی‌تفاوتی اجتماعی در برابر ظلم و فساد. اما کسانی که انتظار را در حد امور فردی و قلبی معنا کرده‌اند، نگاه اشتغالی نداشته صرفاً به ظواهر برخی احادیث اتکا کرده‌اند(علیانسب، ۱۴۰۲، ج۱، صص. ۳۰۰-۳۰۲).

۲. فرج

معنای لغوی: این واژه در کتب لغت به رفتن غم(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۶، ص. ۱۰۹) و برطرف‌شدن اندوه (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج۷، ص. ۳۹۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۶۲۸) معنا شده است. ابن فارس نیز درباره معنای این واژه گفته: فرج دارای اصل صحیحی است که بر گشایش بر چیزی دلالت می‌کند(ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج۴، ص. ۴۹۸).

انتظار فرج در اصطلاح به معنای انتظار وعده الهی و تلاش برای آمادگی روحی و جسمی است برای روزی که ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باعث گشایش در همه شئون زندگی بشر شود(فروهی، ۱۳۸۴، صص. ۸۰-۸۱).

۳. آیات مختص

آیات مهدویت در قرآن کریم به سه دسته تقسیم می‌شود: **(الف)آیات مشترک:** به آن دسته از آیات گفته می‌شود که علمای شیعه و اهل‌سنت در اعتقاد به مهدوی بودن آیه مشترک هستند؛ **(ب)آیات متبع:** آیاتی که طبق اعتقاد یکی از دو گروه مذکور از آیات مهدویت است و گروه دیگر تبعیت کرده است؛ **(ج)آیات مختص:** به آیاتی گفته می‌شود که فقط طبق نظر یک گروه از آیات مهدویت به حساب می‌آید و به آیات مختص شیعه و آیات مختص اهل‌سنت تقسیم می‌شود. آیه مدنظر از آیات مختصی است که طبق نظر شیعه از آیات مهدویت به شمار می‌رود.

اصل انتظار از دیدگاه مفسران

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و اصل انتظار مورد اتفاق علمای فریقین است.

انتظار ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از متواترات روایی شیعه و اهل‌سنت است، لکن در شیعه به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی است. وجوب این اعتقاد در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام آمده است. عبدالعظیم‌حسنی از امام جواد علیه‌السلام درباره قائم سؤال می‌کند. امام جواد علیه‌السلام می‌فرمایند:

يَا أَبَاالْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّةِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُصْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ ثُمَّ قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا انْتِظَارُ الْفَرَجِ(ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۳۷۷)؛

ای ابالقاسم قائم از ما مهدی است که در زمان غیبت، انتظار و در زمان ظهور اطاعتش واجب است. او سومین نسل از فرزندان من است. به خدایی که محمد را به نبوت مبعوث و ما را به امامت مخصوص گردانید سوگند، اگر از دنیا مگر یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن‌قدر طولانی کند تا مهدی ظهور کند. پس زمین را از قسط و عدل پر کند چنان‌که از ظلم و جور پر شده است. خداوند تبارک و تعالی کار او را در یک شب اصلاح کند چنان‌که کار موسی کلیم را اصلاح کرد. آن‌گاه که رفت شعله آتشی بردارد و با مقام رسالت و نبوت برگشت. سپس فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

البته عبارت«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» متواتر فریقین است.

انتظار ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف علاوه بر شیعه در میان اهل‌سنت نیز مورد پذیرش است. در منابع اهل‌سنت آمده:

مسلمانان خروج مهدی از اهل‌بیت را انتظار می‌کشند که زمین را از عدالت لبریز می‌کند، چنان‌که از ستم پر شده است (ابن قیم‌جوزی، بی‌تا، ج۲، ص. ۳۳۸).

مفهوم انتظار در روایات اهل‌سنت نیز به چشم می‌خورد. قندوزی‌حنفی انتظار فرج در روایت«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» را انتظار ظهور مهدی می‌داند(قندوزی حنفی، بی‌تا، ج۳، ص. ۳۹۷).

علمای اهل‌سنت در مورد ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ادعای تواتر کرده‌اند. سفارینی می‌گوید:

حق این است که مهدی غیر از عیسی است و قبل از عیسی خروج خواهد کرد. روایات خروج مهدی به حد تواتر رسیده به نحوی که عقیده به مهدی یکی از معتقدات

علمای اهل‌سنت شمرده می‌شود(سفارینی، ۱۴۰۲ق، ج۲، ص. ۸۴).

شباهت‌ها در تفسیر عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾

عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾، در دو سوره و سه آیه از آیات قرآن کریم به کار رفته است(اعراف: ۷۱؛ یونس: ۲۰؛ یونس: ۱۰۲). مفسران فریقین در مورد این آیات نظرات مختلفی بیان کرده‌اند. برخی علمای شیعه و اهل‌سنت در مواردی از این نظرات مشترک هستند.

۱. نزول عذاب

تفسیر واژه انتظار در این آیات به انتظار عذاب یکی از نظرات مشترک مفسران فریقین است.

دیدگاه مفسران اهل‌سنت

برخی مفسران اهل‌سنت، تعبیر﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾ را انتظار نزول عذاب می‌دانند. این دسته از مفسران معتقدند؛ انتظار در آیه ۷۱ سوره اعراف به معنای انتظار نزول عذاب، تهدید و وعید برای قوم هود است به این دلیل که به جای پرستش خداوند به عبادت بت‌ها می‌پرداختند(ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج۲، ص. ۱۳۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص. ۲۰۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج۵، ص. ۹۰).

طبق این دیدگاه«فَانْتَظِرُوا»، انتظار نزول عذابی است که قوم هود در آیه قبل در عبارت «فَأْتِنا بِما تَعِدُنا»، درخواست می‌کردند:

> تو به طرف ما آمده‌ای تا خدای یگانه را عبادت کنیم و آنچه پدران‌مان می‌پرستیدند را رها کنیم. اگر راست می‌گویی آن عذابی که وعده می‌دهی، بیاور. این عذاب به این جهت است که حق آشکار شده بود ولی آنها بر عناد و جهالت مصرّ بودند(آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص. ۳۹۷).

حاصل کلام آیه این است که قوم هود بر تقلید از روش گذشتگان خود در پرستش بت‌ها و عدم تسلیم در برابر دلیل‌های پیامبرشان، اصرار ورزیدند، به همین دلیل خداوند بر کفرشان افزود و غضب خود را به آنها اختصاص داد. آن‌گاه با استفهام انکاری بیان شده: «أَتُجادِلُونَني في أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطان»؛ آیا در مورد نام بت‌هایی که خود و پدران‌تان به این نام خوانده‌اید مجادله می‌کنید؛ در حالی که این نام‌گذاری بدون بینه است». دلیل توبیخ این است که آنها بت‌ها را اله خود می‌خواندند و یکی را عزی برگرفته از نام عزّ خداوند و دیگری را لات نامیده بودند، در حالی که برای این بت‌ها، الوهیتی وجود ندارد.

سپس، حضرت هود آنها را وعید می‌دهد منتظر عذابی باشید که به جهتِ عبادت این بت‌ها نازل می‌شود، من نیز منتظرم(فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج۱۴، صص. ۳۰۳-۳۰۴).

خداوند در آیه بعد می‌فرماید: «فَأَنْجَيْناهُ وَ الَّذينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنا دابِرَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ ما كانُوا مُؤْمِنين؛ پس او با کسانی که همراه وی بودند به رحمت خویش نجات دادیم و نسل کسانی که آیه‌های ما را تکذیب کرده بودند، و مؤمن نبودند، قطع کردیم»(اعراف: ۷۲). این آیه دلیلی است بر این‌که منظور از«فَانْتَظِرُوا»، وعیدی از رسول به قومش به خاطر مجادله در مورد نام‌های بت‌هاست که هیچ سود و زیانی برایشان ندارد(ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۳، ص. ۳۹۰).

مطابق نظر این دسته از مفسران، این عبارت در آیه ۲۰ سوره یونس نیز به معنای انتظار نزول عذاب است. خداوند در ابتدای آیه درخواست معجزه توسط مشرکان را بیان می‌کند: «وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ». در ادامه به پیامبرﷺ می‌فرماید: «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ» یعنی آنچه از نزول نشانه‌های مقترحه باز می‌دارد، امری غیبی است که فقط خدا از آن خبر دارد؛ پس به درخواست‌کنندگان نشانه‌های عذاب گفته می‌شود: منتظر نزول آن‌چه مطرح می‌کنید، باشید. من نیز منتظرم خداوند به خاطر سرکشی شما چه می‌کند(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص. ۳۳۷).

سیوطی روایتی نقل می‌کند که درمورد عبارت«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرين» می‌گوید: «خَوَّفَهُم عَذابَه و عُقوبَتَه»(سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص. ۳۰۲). در این روایت مقصود از«فَانْتَظِرُوا»، ترساندن از عذاب و عقوبت خداوند است.

این گروه از مفسران همچنین در آیه ۱۰۲ سوره یونس، «فَانْتَظِرُوا» را به معنای انتظار هلاکت می‌دانند. در این آیه آمده: «فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ» آیا جز روزگار کسانی که قبل از آنها بودند و عذاب الهی بر آنها نازل شد، انتظار می‌برند. در ادامه می‌فرماید: «قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرين» پیامبر به آنها بگو منتظر هلاکت من باشید، من نیز منتظر هلاکت شما هستم(بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص. ۱۲۵). انتظار هلاکت در این تفاسیر به معنای انتظار نزول عذاب است.

مطابق تفاسیر فوق مشخّص می‌شود معنای انتظار در میان این گروه از اهل‌سنّت، نزول عذاب به دلیل درخواست معجزات اقتراحی، تکذیب پیامبران و... است.

نظر مفسران شیعه

برخی از علمای شیعه ذیل آیه ۷۱ سوره اعراف، «فَانْتَظِرُوا» را انتظار نزول عذاب معنا کرده‌اند(طبرسی، ۱۳۷۲، ج۴، ص. ۶۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج۸، ص. ۱۷۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج۸، ص. ۲۵۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج۲، ص. ۵۴۶؛ کاشانی،۱۳۶۳، ج۴، ص. ۵۳؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج۲، ص. ۵۲؛ شبر، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۷۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج۱۰، ص. ۱۶۸؛ جوادی‌آملی،۱۳۹۳، ج۲۹، ص. ۳۲۳).

مطابق این آیه، جواب حضرت هود علیه‌السلام به بت‌پرستان قوم خود این بود که اصرار آنها بر عبادت بت به پیروی از پدران‌شان باعث دوری از خداوند با غضب الهی می‌شود. عذابی که در نزول آن عجله داشتند، نازل می‌شود و آنها را هلاک می‌کند. این مطلب، کنایه از امر به انتظار عذاب است. در ادامه آیه خبر می‌دهد که هود نیز مانند آنها در انتظار نزول عذاب بود(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۸ ، ص. ۱۷۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج۳، ص. ۳۴۸).

البته باید توجه داشت صیغه امر اگر در خطاب خدا و رسول بدون قرینه باشد، بر وجوب دلالت دارد. این صیغه گاهی بر معانی دیگری مثل ندبه، اباحه، تهدید و دعا نیز دلالت دارد. ابن‌سبکی ۲۶ معنا و ابن‌نجار ۳۵ معنا برای امر ذکر کرده‌اند(راسخ، ۱۴۲۴ق، ص. ۳۶). مسئله«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» تهدید است نه این‌که آنها منتظرند. آنها که یقین دارند این دروغ است منتظر عذاب نیستند. اگر هم منتظر باشند با انتظار هود خیلی فرق دارد. فرمود: «انّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» من با یقین به وقوع منتظرم، شما چون یقین به عدم دارید، اصلاً منتظر نیستید، اگر هم منتظر باشید منتظرید ببینید دروغ من روشن شود یا انتظارتان با شک همراه است. لذا انتظار عاد با انتظار پیغمبرشان خیلی فرق می‌کند(جوادی‌آملی، ۱۳۷۷).

در آیات ۲۰ و ۱۰۲ سوره یونس نیز«فَانْتَظِرُوا»، انتظار هلاکت و عقاب خداوند با قهر و قتل در دنیا و عقاب در آخرت تفسیر شده است(طبرسی، ۱۳۷۲، ج۵، ص. ۱۵۰؛ قمي مشهدي، ۱۳۸۶، ج۶، ص. ۱۱۳).

عبارت«فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ» تفریع بر آیه قبل«وَ ما تُغْنِي الْآياتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُون» است یعنی زمانی که آیات و انذار در شما اثری ندارد و ایمان نمی‌آورید، منتظر روزگاری مانند روزگار افرادی باشید که قبل از شما بودند. به همین دلیل به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد بگو: منتظر زمانه‌ای مثل زمانه قبل از خود و عذابی باشید که بین ما جدایی می‌اندازد. پس در آن موقع ایمان می‌آورید درحالی‌که ایمان سودی ندارد(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۰، صص. ۱۲۷-۱۲۸).

فاء در«فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ»، استینافیه است که متفرع بر آیه‌ی قبل شده و فاء در«قل فانتظروا» دو احتمال دارد: ۱. زائده و جمله‌ی فعلیه در محل نصب، مفعول‌به «قل»(شیخلی، ۱۴۲۷ق، ج۴، ص. ۴۲۳)؛ ۲. فاء فصیحه(دعاس و همکاران، ۱۴۲۵ق، ج۲، ص. ۴۴). یعنی وقتی نشانه‌های الهی و انذارها نسبت به قوم بی‌ایمان سودی ندارد، مانند اقوام گذشته منتظر بمانند.

مطابق آنچه گذشت انتظار یا تهدید به عذاب در میان شیعه و اهل‌سنت یکی از اقوال قابل اعتناء است.

مطابق ظاهر و سیاق آیات می‌توان به این نتیجه رسید که منظور از«فَانْتَظِرُوا» در ظاهر این آیات، انتظار عذاب است. همچنین با توجه به واژه «انتظر» که معمولاً در قرآن به معنای پیش بینی عواقب جدی و هشدار درباره نتایج نافرمانی تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد منظور، انتظار عذاب است؛ زیرا این واژه در مواردی که در قرآن آمده از قول پیامبران الهی و در پاسخ به درخواست معجزات غیرمعقول یا انکار نبوت از طرف مشرکان است.

۲. حکم و قضاوت خداوند

دومین نظر مشترک میان مفسران شیعه و اهل‌سنت در مورد این عبارت، انتظار حکم و داوری خداوند است.

دیدگاه مفسران اهل‌سنت

این دسته از مفسران، مقصود از«فَانْتَظِرُوا» را انتظار قضاء و حکم خداوند در رابطه با غالب شدن حق بر باطل معنا می‌کنند(ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج۵، ص .۱۲۶). در این‌صورت عبارت این‌گونه معنا می‌شود: ایمان نمی‌آورید تا آنچه درخواست داشتید را مشاهده کنید پس منتظر حکم خدا باشید(ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۴، ص. ۲۲۵).

در مورد تعبیر«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» روایتی به این مضمون نقل شده:

> **فَانْتَظِرُوا حُكمَ اللهِ فينا وَ فيكُم، إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرين حُكمَه وَ فَصلَ قَضائِه فينا وَ فيكُم(طبری، ۱۴۱۲ق، ج۸، ص. ۱۵۷)؛**
>
> درباره ما و شما منتظر حکم خداوند باشید، من نیز منتظر حکم خداوند در مورد خودمان و شما هستم.

مطابق تعابیر فوق مشخّص می‌شود نظر دوم درمورد معنای انتظار در میان اهل‌سنت این است که انتظار نسبت به فرا رسیدن قضاء و حکم خداوند در رابطه با اهل ایمان و منکرین

است. این معنا اعم از نزول عذاب بوده و شامل غلبه حقّ بر باطل یا هر چیز داخل در حکم خداوند می‌شود.

نظر مفسران شیعه

علامه طباطبایی انتظار در آیه ۲۰ سوره یونس را انتظار نشانه‌ای می‌داند که حق را از باطل جدا می‌کند و می‌فرماید: درخواست معجزه‌ای غیر از قرآن از طرف مشرکان در اصل استخفاف قرآن بود. به همین دلیل در ادامه آیه امرِ «قُل» با «فاء» آمده لذا «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّه» یعنی معجزاتی که درخواست می‌کنید از غیب و مختص خداست. پس منتظر باشید من نیز منتظرم. لذا از این آیه استفاده می‌شود که پیامبرﷺ در انتظار نشانه‌ای غیر از قرآن بود که بین حق و باطل جدایی سازد و بین پیامبر و امتش قضاوت کند. این وعده صریح که در انتظارش بودند در آیه﴿وَ إِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنا مَرْجِعُهُمْ﴾(یونس: ۴۶) آمده است(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۰، ص. ۳۴).

نظر دوم اهل‌سنت انتظار نسبت به فرا رسیدن قضاء و حکم خداوند بود که معنایی عام است ولی مطابق این نظر از علامه طباطبایی انتظار نسبت به نزول آیه جدا کننده‌ی حق از باطل است به گونه‌ای که پیامبرﷺ نسبت به آن یقین دارد و منتظر آن است.

براساس نظر دوم عبارت«فانتظروا»، می‌تواند به معنای انتظار تحقق حکم خداوند هم باشد؛ زیرا حکم و قضاء الهی به عنوان سرانجام نافرمانی، شامل عذاب و یا احکام دیگر می‌شود. حال می‌توان به انتظار عذاب به عنوان یک وعید اشاره کرد که قضای خداست و یا می‌توان آن را به عنوان اجرای حکم خداوند در نظر گرفت.

۳. جوابی در برابر درخواست مشرکان

یکی دیگر از نظرات مشترک میان فریقین، موردی است که عبارت مورد نظر را جوابی در برابر درخواست مشرکان مبنی بر انتظار معجزه می‌داند.

نظر مفسران اهل‌سنت

طبق آیه﴿وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّه﴾(یونس:۲۰) مشرکان درخواست معجزه‌ای از پیامبرﷺ داشتند. فخررازی ذیل این آیه، عبارت«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرين» را جوابی در مقابل درخواست مشرکان می‌داند. ایشان در این‌باره می‌گوید:

> این کلام مشرکان نوع چهارم از شبهات قومِ پیامبرﷺ در انکار نبوت ایشان بود. آنها می‌گفتند: قرآنی که آورده‌ای کتابی است مشتمل بر انواع کلمات؛ در حالی‌که کتاب

نمی‌تواند معجزه باشد. پیامبرانی مثل حضرت موسی و عیسی معجزات دیگری غیر از کتاب داشتند که بر نبوت آنها دلالت دارد. خداوند در برابر این درخواست به پیامبرش دستور می‌دهد در جواب آنها بگو: «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين». وجه جواب فوق، اقامه دلیلی چیره‌کننده بر این است که آشکار شدن قرآن برای پیامبرﷺ، معجزه‌ای غالب و ظاهر است؛ زیرا ایشان بین همان مردم متولد و تربیت یافته بود، آنها می‌دانستند ایشان نزد استادی تعلیم نیافته؛ بلکه چهل سال است که با آنهاست و به تعلم اشتغال نداشته است. در این شرایط نازل شدن قرآن بر پیامبرﷺ به صورت ناگهانی، فقط با وحی امکان‌پذیر است. این مطلب خود برهانی قاهر بر اعجاز قرآن است. زمانی که برهان فوق ثابت شود، درخواست معجزه‌ای به جز قرآن از قبیل اقتراحات و شبیه به بدعت است که در اثبات نبوت احتیاجی به آن نیست؛ زیرا معجزه از علوم غیبی است که به مشیت الهی برمی‌گردد و خداوند درصورتی که بخواهد آن را ظاهر می‌کند. پس برای هر کس لازم است منتظر باشد که آیا خداوند آن معجزه را می‌آورد. لذا خداوند درخواست آنها را اجابت کند یا نکند، باز نبوت و صدق ادعای رسالت ایشان ثابت است. این وجه جواب، ظاهر در تقریر مطلوب است(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۱۷، ص. ۲۳۰).

بنابر بیان فوق بعد از تمامیّت اعجاز قرآن و اثبات رسالت پیامبرﷺ باید منتظر ماند که آیا خداوند معجزه‌ی دیگری محقّق می‌کند؛ لذا با وجود درخواست مشرکان نسبت به اتیان معجزه‌ی جدید، برآورده شدن لازم نیست بلکه در اختیار خدواند است.

نظر مفسران شیعه

در میان مفسران شیعه بانو امین آیه ۲۰ سوره یونس را مقول قول کافران و مشرکین می‌داند که با تحکم می‌گفتند چرا علامتی جز این آیات بر پیامبرﷺ نازل نگردید. مقصود آنها این بوده که چرا معجزه‌ای که ما را پناه دهد بر او نازل نشده است. خداوند در ادامه به رسولش فرمان می‌دهد بگو غیب مخصوص خداست. منتظر باشید شاید معجزه‌ای بیاید شما را پناه دهد، من نیز با شما منتظرم(بانو امین، بی‌تا، ج۶، ص. ۱۴۵).

بر این اساس عبارت«فَانْتَظِرُوا» می‌تواند پاسخی به درخواست‌های مشرکان تعبیر شود که از پیامبران نشانه‌ای برای اثبات حقانیت دعوت‌شان می‌خواستند. این انتظار ممکن است اشاره به این مطلب داشته باشد که به زودی حکم خداوند جاری خواهد شد یا اشاره به این مطلب کند که به زودی عذاب بر شما نازل می‌شود، یعنی یک یادآوری از جانب پیامبر در برابر نافرمانی قوم بیان می‌شود که چه پیامدهایی در انتظار آنهاست. لذا این نوع پاسخ به

درخواست‌های مشرکان هم تأکیدی بر قدرت و علم الهی است و هم به نوعی آنها را به فکرکردن درباره عواقب اعمال‌شان وا می‌دارد.

افتراقات فریقین در تفسیر عبارت﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين﴾

علمای شیعه درباره این عبارت، متذکر معانی دیگری شده‌اند که اهل‌سنت آن را بیان نکرده‌اند.

نظر علمای شیعه

۱. امر و سنن خداوند

سلطان‌علی‌شاه«فَانْتَظِرُوا» را انتظارِ امر خداوند در حق پیامبرﷺ و مشرکان دانسته است(علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص. ۱۹۱).

عیّاشی نیز روایتی از أحد الصادقینؑ نقل می‌کند که: «إِنَّ اللَّهَ قَضَى الِاخْتِلَافَ عَلَى خَلْقِهِ وَ كَانَ أَمْراً قَدْ قَضَاهُ فِي عِلْمِهِ كَمَا قَضَى عَلَى الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ هِيَ السُّنَنُ وَ الْأَمْثَالُ يَجْرِي عَلَى النَّاسِ فَجَرَتْ عَلَيْنَا كَمَا جَرَتْ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا؛ خداوند اختلاف در بین خلق را حتمی قرار داد و این امر خداوند به عنوان یک سنّت در اُمم مختلف در علم خداوند واقع است. سپس امام آیات«فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلا»، «فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» و «لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّه» را تلاوت فرمودند(عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، صص. ۳۰۶-۳۰۷).

مطابق این روایت انتظار مربوط به وقوع سنن الهی است و عبارت«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» می‌تواند به معنای نتیجه‌گیری از دستورات الهی باشد. انتظار برای وقوع یک امر الهی به این معناست که فرمان‌های خداوند حتماً تحقق خواهد یافت و هیچ‌چیز نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. همچنین این عبارت می‌تواند به سنن الهی اشاره داشته باشد که در تاریخ و طبیعت حاکم است. سنن الهی به معنای قوانین و نظام‌هایی هستند که خداوند در خلقت و مدیریت جهان برقرار کرده است و همواره به عنوان نتیجه اعمال انسان‌ها وجود دارد. در واقع این انتظار می‌تواند یادآور این باشد که خداوند در همه زمان‌ها و مکان‌ها بر قوانین خود حاکم است و هیچ‌کس نمی‌تواند از آن فرار کند.

به نظر می‌رسد این دیدگاه، با شواهد قرآنی قابل تأیید است به ویژه قسمت آغازین آیه ۱۰۲ سوره یونس، «فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» به صورت استفهام انکاری، سوال می‌کند آیا جز این است که انتظار روزی را

می‌کشند همانند روزهایی که پیشینیان‌شان منتظرش بودند؟ این تعبیر تصریح در معنای سنت است. قرآن کریم در آیات﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾(احزاب: ۳۸) و ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْديلاً﴾(احزاب: ۶۲) نیز از همین تعبیر استفاده کرده است.

۲. تفسیر انتظار به مهدویت

در مورد تعبیر«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» روایاتی در کتب حدیثی و تفسیری شیعه ذکر شده که منظور از انتظار، انتظار فرج است. از آن‌جا که شیعه همواره مطابق تعالیم ائمه علیهم‌السلام در انتظار فرج حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده و در مورد آن سؤال می‌پرسیده یا کلمات ائمه علیهم‌السلام را به خاطر می‌سپرده است، متبادر از انتظار فرج یا فرد أفضل آن انتظار فرج آن حضرت است؛ زیرا گشایش و رفع غمّ واقعی از جامعه‌ی انسانی با ظهور ایشان محقّق می‌شود. علاوه بر این‌که در برخی أحادیث به صراحت به فرج امام غائب تصریح شده است.

حدیث اول

در کتاب ***کمال‌الدین و تمام‌النعمه*** روایتی به صورت مسند از محمدبن فضیل در رابطه با این مطلب آمده که منظور از تعبیر«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»، انتظار ظهور است:

حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرٍ الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُود عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ عِمران عَنْ مُحَمَّدِ بنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ- الرِّضَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْفَرَجِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ(ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۶۴۴)؛

از امام رضا علیه‌السلام از فرج پرسیدم. فرمودند: خداوند می‌فرماید: انتظار بکشید من نیز با شما از منتظران هستم.

سند این روایت قابل تصحیح است؛ زیرا مظفربن‌جعفر به سبب ترضّی شیخ صدوق توثیق شده است. جعفربن‌محمد نیز به سبب اکثار روایت مظفربن‌جعفر از وی در عمل ثقه شمرده شده است. محمدبن‌عبدالحمید نیز از راویانی است که محمدبن‌أحمدبن‌یحیی در بسیاری از اسناد از وی نقل کرده و ابن‌ولید او را از مشایخ وی استثناء نکرده است. محمدبن‌فضیل هرچند رمی به غلو شده است(طوسي، ۱۳۸۱ق، ص. ۳۶۵) ولی این‌گونه تضعیفات غیرحسّی تمام نیست. وی به دلیل إکثار روایی بزرگانی مثل محمدبن إسماعیل بن بزیع و حسین بن سعید أهوازي، ثقه شمرده می‌شود. محمدبن مسعود عیاشی و عمران بن موسی نیز به صراحت توسط

رجالیون توثیق شده‌اند(نجاشي، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۵۰؛ نجاشي، ۱۴۰۷ق ، ص. ۲۹۱).

مطابق این روایت عبارت«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» به معنای امید به گشایش الهی در هنگام مشکلات است. این مفهوم با آیات قرآن و روایات دیگر که در آنها به صبر و امید به فرج تأکید شده است، هم‌راستا است. در قرآن مکرر آمده مؤمنین در مواجهه با مشکلات صبر پیشه کنند. مثلاً در آیه ۵و۶ سوره شرح آمده: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرا﴾ یعنی به طور حتم پس از هرسختی، آسانی خواهد بود. این آیات به مؤمنین می‌آموزد در دشواری‌ها به گشایش امید داشته باشند. روایات متعددی از اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز درباره صبر و انتظار برای گشایش الهی وجود دارد. روایت«أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین اعمال انسان، انتظار فرج است»(ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج۲، ص. ۶۲۱) بیانگر این موضوع است. از نظر عقلی هم انتظار فرج و گشایش در مواقع دشواری مفهومی کاملاً پذیرفته شده است. لذا این روایت با آیات، روایات و عقل سازگار است.

حدیث دوم

حدیث دیگری توسط شیخ صدوق نقل شده که از حدیث فوق طولانی‌تر است:

حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرٍ الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو صَالِحٍ خَلَفُ بْنُ حَمَّادٍ الْكَشِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ الرِّضَا مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ. فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۶۴۵)؛

صبر و انتظار فرج چقدر نیکوست. آیا قول خداوند نشنیده‌ای که می‌فرماید: «منتظر باشید من هم با شما منتظرم» صبر پیشه کنید، چون فرج بعد از زمان ناامیدی می‌آید به درستی کسانی که قبل از شما بودند، صبورتر بودند.

بسیاری از رواتِ این حدیث مورد اختلاف بین رجالیون است ولی می‌توان گفت که این روایت به جهت خلف بن‌حماد کشی ضعیف است؛ زیرا وی تنها در رجال شیخ طوسی بدون هیچ توثیقی ذکر شده است(طوسی، ۱۳۸۱ق، ص. ۴۲۶).

روایت فوق به اهمیت صبر و انتظار فرج در شرایط دشوار اشاره می‌کند. قرآن نیز بر اهمیت صبر تأکید کرده است. خداوند در آیه﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَق﴾(روم: ۶۰)، انسان را به صبر در مواجهه با دشواری‌ها دعوت و تأکید می‌کند خدا با صابران است و وعده‌های خداوند تحقق

می‌یابد. در روایات نیز به شکیبایی در برابر مشکلات اشاره شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «الصَّبْرُ يُعْقِبُ خَيْراً فَاصْبِرُوا وَ وَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الصَّبْرِ تُوجَرُوا؛ صبر، خیر را به دنبال می‌آورد پس صبر کنید و خود را برای صبر مهیا کنید تا اجر داده شوید»(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص. ۸۹). از منظر عقل انتظار فرج در مواجهه با مشکلات منطقی است. مطابق شواهد تاریخی نیز صبر و انتظار فرج در زمان‌های بحرانی مشوق مسلمانان در ادامه راه و حفظ امیدواری بوده است. بنابراین روایت مذکور از لحاظ آیات، روایات، عقل و تاریخ تأیید شده است.

حدیث سوم

در کتاب ***کمال‌الدین و تمام‌النعمه*** حدیث سومی از شیخ صدوق با مقداری تفاوت در تعابیر نقل شده است:

> **حَدَّثَنَا عَلِيُّ‌بْنُ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدٍالدَّقَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ‌أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ‌الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى‌بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ‌بْنِ‌يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ‌بْنِ‌أَبِي‌حَمْزَةَ عَنْ يَحْيَى‌بْنِ‌أَبِي‌الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الم* ذلِكَ الْكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ* فَقَالَ الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ. وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۳۴۰)؛**
>
> امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیات«الم* این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست* پرهیزکاران را راهنماست* آنان که به غیب ایمان می‌آورند*» فرمودند: متقون، شیعیان علی علیه‌السلام هستند. و «الغیب» حجّت غائب است، شاهد این مطلب، کلام خداوند«وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» است.

بسیاری از رواتِ این حدیث، مورد اختلاف رجالیون است ولی در تصحیح این روات می‌توان گفت: شیخ صدوق به کثرت از استاد مورد اعتمادش علی‌بن‌احمد، روایت نقل کرده و تعبیر«رضی الله عنه» را برای ایشان به کار برده است، اما محمدبن‌أبی‌عبدالله دارای توثیق صریح است(نجاشي، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۷۳). موسی‌بن‌عمران به دلیل کثرت روایت أحمدبن‌جعفرأسدي از او تصحیح می‌شود. حسین‌بن‌یزید نیز در عمل با نقل زیاد احادیث وی توسّط ابراهیم‌بن‌هاشم، توثیق شده است. اما علی‌بن‌ابی‌حمزه از مشایخ ابن‌ابی‌عمیر است که اصحاب قبل از واقفی شدنش از او نقل کرده‌اند. یحیی‌بن‌ابی‌القاسم نیز توثیق صریح دارد(نجاشي، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۴۱). بنابراین حدیث فوق صحیحه و یا لاأقل موثقه است.

غیب در آیه ۳ سوره بقره، به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تطبیق داده شده و شاهد آن نیز عبارت«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» است. غیب در لغت هر چیزی است که از چشم پوشیده باشد(ابن‌فارس،۱۴۰۴، ج۴، ص. ۴۰۳؛ راغب اصفهانی،۱۴۱۴ق، ص. ۶۱۶). غیب مصادیق متفاوتی دارد. از مهم‌ترین مصادیق ایمان به غیب، ایمان به امام غائب است. در روایات تأکید بسیاری بر اهمیت انتظار و صبر به ویژه در پیوند با غیبت امام زمان علیه‌السلام وجود دارد. امام صادق علیه‌السلام درباره آیه﴿هُدىً لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ می‌فرمایند:

مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ(ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۱، ص. ۱۷)؛
کسی که اقرار کند که قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حق است.

مفهوم انتظار برای ظهور و قیام رهبری عادل در زمان غیبت و امید به تحقق عدالت از منظر عقل نیز پذیرفته شده است. همچنین تاریخ اسلام نشان‌دهنده اهمیت شدید انتظار و غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و این انتظار به بخشی از باورهای مذهبی مسلمانان تبدیل شده است. در نتیجه این روایت با مبانی لغوی، دینی، عقلی و تاریخی همخوانی دارد.

حدیث چهارم

در کتاب ***قرب الاسناد*** حمیری حدیثی در رابطه با دلالت تعبیر«فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» بر امر فرج نقل شده است:

مُحَمَّدُ‌بْنُ‌الْحُسَيْنِ‌بْنِ‌أَبِي‌الْخَطَّابِ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ‌بْنُ‌مُحَمَّدِ‌بْنِ‌أَبِي‌نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا وَ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ أَصْحَابَنَا رَوَوْا عَنْ شِهَابٍ عَنْ جَدِّكَ أَنَّهُ قَالَ: «أَبَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يُمْلِكَ أَحَداً مَا مَلَكَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله، ثَلَاثَ وَ عِشْرِينَ سَنَةً». قَالَ: «إِنْ كَانَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ قَالَهُ جَاءَ كَمَا قَالَ». فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ أَنْتَ؟ فَقَالَ: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ* فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ، وَ قَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ(حمیری، ۱۴۱۳ق، ص. ۳۸۰)؛
بزنطی می‌گوید: به حضرت رضا علیه‌السلام گفتم فدایتان شوم اصحاب از شهاب از جدّ شما روایت کرده‌اند خداوند إباء دارد کسی را به مقدار ۲۳ سال که پیامبر را مسلّط کرد، بر مردم مسلّط کند. حضرت فرمود: اگر امام صادق علیه‌السلام به او می‌گفت آمد، همان‌طور که فرموده بود می‌بود. بزنطی می‌گوید گفتم چه می‌گویی؟ حضرت فرمود: صبر و انتظار فرج چقدر نیکو است، آیا قول حضرت هود را نشنیدید که فرمود: «شما منتظر باشید من هم با شما منتظرم»، بنابراین صبور باشید، چون فرج بعد از زمان ناامیدی می‌رسد و افراد قبل از شما صبورتر بودند.

این روایت صحیحه است؛ زیرا محمدبن‌حسین و بزنطی هر دو امامی هستند که توسط رجالیون توثیق شده‌اند (نجاشي، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۳۴؛ طوسي، ۱۳۵۶ق، ص. ۵۰).

محتوای این روایت مانند روایت دوم، با قرآن، روایات، عقل و تاریخ سازگار است.

حدیث پنجم

عیاشی حدیثی در مورد تعبیر آیه‌ی انتظار، از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است:

عن أحمدبن محمد عن أبي‌الحسن‌الرضا قال: سمعته يقول مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ. أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين(عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، ص. ۲۰)؛

صبر و انتظار فرج چقدر نیکو است، آیا قول حضرت هود را نشنیدی که فرمود منتظر باشید من هم با شما منتظرم.

شیخ طوسی در رجال، محمد بن مسعود عیاشی را در باب«من لم یرو عنهم» ذکر کرده است(طوسی، ۱۳۸۱ق، ص. ۴۴۰). ایشان به صورت مستقیم از ائمه علیهم‌السلام نقل حدیث نکرده است از آن‌جا که نقل عیاشی از امام رضا علیه‌السلام یا راوی متصل به آن حضرت با چند واسطه صورت می‌گیرد، حدیث فوق مرسل است.

البته گستردگی دانش عیاشی و منابع متعددی که از هر دو حوزه حدیثی شیعه و اهل‌سنت در اختیار داشته، کتاب تفسیر او را از دیگر تفاسیر متقدم، متمایز ساخته و کتاب را علی رغم بی‌سند بودن، مقبول محدثان و مفسران پس از خود کرده است(عبدالهادی مسعودی، تفسیر روایی جامع، ج ۲، ص. ۳۷).

مضمون این روایت، شبیه روایت دوم و چهارم است.

حدیث ششم

عیاشی روایت دیگری در این مورد نقل کرده است:

عن محمدبن‌الفضيل عن أبي‌الحسن‌الرضا قال سَأَلْتُه عَنْ شَيْءٍ فِي الْفَرَجِ، فَقَالَ أَوَ لَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ انْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ إِنّ اللهَ يَقولُ: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين(عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، ص. ۱۳۸)؛

از امام رضا علیه‌السلام در مورد چیزی درباره‌ی فرج پرسیدم، حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که انتظار فرج خود، از فرج است؟ همانا خداوند می‌فرماید: انتظار بکشید من نیز با شما از منتظران هستم.

از آن‌جا که نقل عیاشی از راوی متصل به امام رضا علیه‌السلام با چند واسطه صورت می‌گیرد، این حدیث ضعیف و مرسل محسوب می‌شود.

مطابق روایت، انتظار فرج خودش نوعی فرج است. این روایت به اهمیت انتظار فرج و امیدوار بودن در شرایط دشوار اشاره دارد. بنابراین از لحاظ دینی، عقلی و تاریخی تأیید شده و به عنوان یک آموزه اساسی در فهم مفهوم انتظار در دین به شمار می‌آید. روایات بسیاری از اهل‌بیت علیهم‌السلام در مورد انتظار فرج وجود دارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ قَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ قَالَ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص. ۶۰)؛

خوشا به حال صبرکنندگان در غیبتش، خوشا به حال پایداران بر محبتش، همانان که خداوند در کتابش چنین وصف کرده: هدایتی برای پرواپیشگان است؛ همانان که به غیب ایمان دارند.

انتظار برای ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همچنین به عنوان یک نقطه امید در دل‌های مردم نقش داشته است.

حدیث هفتم

مما جاء عن أبي جعفر محمدبن علي، أَنَّه سُئِلَ عَنِ الفَرَجِ، مَتى يَكونُ؟ فَقالَ: إِنَّ اللهَ عَزَوَجَلَّ يَقولُ: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» ثُمَّ قالَ: يُرفَعُ لِآلِ جَعفَرِبنِ أَبي طالِبِ رايَةُ ضَلالٍ، ثُمَّ يَرفَعُ آلُ عَباسٍ رايةً أَضَلَّ مِنها وَ أَشَرَّ، ثُمَّ يُرفَعُ لآلِ الحَسَنِ بنِ عَلِي راياتٌ وَ لَيسَت بِشَيءٍ، ثُمَّ يُرفَعُ لِوَلَدِ الحُسَينِ رايةٌ فيها الأمرُ (ابن‌حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص. ۳۵۶)؛

از امام باقر علیه‌السلام پرسیده شد: فرج چه موقع است؟ فرمودند: خداوند عزوجل می‌فرماید: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين». سپس فرمود: برای آل جعفربن‌ابی‌طالب پرچم گمراهی بر افراشته می‌شود. سپس آل‌عباس پرچمی گمراه‌تر بلند می‌کند. سپس برای آل حسن‌بن‌علی علیهم‌السلام پرچم‌هایی برافراشته می‌شود که چیزی نیست. سپس برای فرزند حسین علیه‌السلام پرچمی که در آن امر است بر افراشته می‌شود.

این حدیث به جهت مرسله بودن و عدم ذکر سلسله روات، ضعیف است.

تأکید به حقانیت اهل‌بیت علیهم‌السلام، ضرورت حمایت از ایشان و پیامدهای انحرافاتی که در تاریخ رخ داده است در روایات موجود است. تاریخ اسلام نیز نشان‌دهنده بروز اختلافات سیاسی، مذهبی و همچنین ظهور و سقوط بسیاری از احزاب است. در همه این موارد اهل-

بیت علیهم‌السلام به عنوان نمایندگان واقعی دین در برابر اختلافات مورد تجلیل قرار گرفته‌اند. این روایت به طور کلی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد اما نیاز به توضیحات بیشتری در زمینه‌های تاریخی درباره افراد یاد شده دارد.

این‌گونه احادیث در کتب روایی متأخر مثل *البرهان فی تفسیر القرآن*(ج۱، ص۱۲۴؛ ج۲، ص. ۵۶۱)، *تفسیر الصافی*(ج۲، ص. ۴۲۸)، *نور الثقلین*(ج۲، ص. ۳۹۴) و... نیز از منابع متقدم نقل شده است.

با توجه به احادیث متعددی که در مقام از کتب و روات مختلف نقل شده است، این احادیث به حدّ استفاضه رسیده‌اند و از مجموع این احادیث که مشتمل بر اخبار صحاح و غیرصحیح است، اطمینان به صدور این مفاد از ائمه علیهم‌السلام حاصل می‌شود. با توجه به این‌که در هر طبقه راویان متفاوت این قبیل روایات را با تعابیرمختلف به کار برده‌اند، می‌توان گفت: این روایات به صورت متواتر نقل شده است، اگرچه منابع تفسیری اهل‌سنت، انتظار در این آیه را به معنای ظهور فرج بیان نکرده‌اند، لکن اهل‌سنت معتقد به ظهور و قیام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در آخرالزمان است، حتی نخستین کتاب در خصوص آخرالزمان، توسط یکی از عالمان اهل‌سنت به نام نعیم‌بن‌حمادمروزی، متوفای ۲۲۸ قمری، حدود ۱۰۰ سال پیش از الغیبة نعمانی؛ نخستین اثر شیعی در حوزه مهدویت است(علیانسب، ۱۳۹۸، ص. ۱۲).

به نظر می‌رسد منظور از انتظار در ظاهر تعبیر «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» انتظار نزول عذاب برای مشرکان و گناهکاران است؛ زیرا متبادر به ذهن از سیاق این تعبیر، تهدید بر فرود آمدن عذاب الهی است. البته با توجه به سخنان معصومین علیهم‌السلام در مقام بیان تأویل یا بطون آیات، این تعبیر إبایی ندارد که جزء آیات مهدویت شمرده شود و مقصود از انتظار، انتظار فرج نیز باشد؛ لذا ارزشمندترین انتظار، انتظار برای ظهور و قیام منجی بشریّت است.

به بیان دیگر معنای ظاهر آیه هم عذاب است این تفسیر درست می‌نماید، اما پذیرش این تفسیر، نفی جریان آیه بر انتظار فرج نیست چرا که عذاب مفهوم عامی است و یکی از مصادیق جریان عذاب الهی در آخرالزمان بر دشمنان لجوج و عنود، آخرین حجت الهی است. چنان‌که عذاب الهی بر دشمنان هود آمده بر دشمنان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هم قابل جریان است. ﴿وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَسارا﴾(اسراء: ۸۲) چنان‌که نزول قرآن رحمت است اما برای کسی که خود را در معرض نسیم رحمت قرار دهد و اگر کسی در برابر رحمت الهی دهن‌کجی کند گرفتار امر حتمی و سنت الهی عذاب بر دشمنان خدا و حجت او می‌گردد.

نتیجه‌گیری

میان علمای فریقین، درباره معنای انتظار در عبارت «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِين» نظرات مختلفی مطرح شده است. مفسران شیعه و اهل‌سنت درباره سه معنا از معانی انتظار اشتراک نظر دارند: (الف)نزول عذاب برای گناهکاران (ب)حکم و داوری خدا (ج)جوابی دربرابر درخواست معجزه از طرف مشرکان. علمای شیعه معانی دیگری نیز برای این تعبیر بیان کرده‌اند که در میان اهل‌سنت ذکر نشده است. (الف) گروهی از مفسران شیعه انتظار را انتظار امر و سنن خدا معنا می‌کنند. (ب) گروهی از مفسران و محدثان شیعه روایاتی از معصومین علیهم‌السلام نقل کرده و منظور از «فَانْتَظِرُوا» را انتظار فرج می‌دانند. اگرچه اهل‌سنت، ظهور و قیام امام مهدی در آخرالزمان را قبول دارند و روایات فراوانی در این خصوص نقل کرده‌اند، اما در میان منابع روایی اهل‌سنت روایتی که این آیه را به انتظار ظهور حضرت مهدی تفسیر کرده باشند، یافت نشد. لذا این آیات را از آیات مختص شیعه در موضوع مهدویت معرفی می‌کنند. البته این نظر با نظرات اهل‌سنت و دیدگاهای شیعی دیگر نیز قابل جمع است؛ چون با ظهور و قیام امام مهدی هم حکم و قضای الهی محقق می‌شود، هم عذاب الهی بر معاندان واقع می‌شود و هم سنت الهی که پایان تاریخ را ظهور و غلبه حق دانسته، شامل می‌شود.

منابع

قرآن کریم

- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی. (۱۳۹۵ق). ***کمال‌الدین و تمام‌النعمة***. (علی‌اکبر غفاری، محقق). تهران: اسلامیه.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی. (۱۳۶۲). ***الخصال***. (علی‌اکبر غفاری، محقق). قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد مغربی. (۱۴۰۹ق). ***شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار*** علیهم‌السلام (محمدحسین حسینی جلالی، محقق). قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی. (۱۴۲۲ق). ***زاد المسیر فی علم التفسیر***(مهدی عبدالرزاق، محقق). بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل. (۱۴۲۱ق). ***المحکم و المحیط الاعظم*** (عبدالحمید هنداوی، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌فارس، احمدبن‌فارس.(۱۴۰۴ق). ***معجم مقاییس اللغه***. (عبدالسلام محمدهارون، محقق). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن‌قیم جوزیه، محمدبن‌ابی‌بکربن‌ایوب‌بن‌سعدشمس. (بی‌تا). ***اغاثه اللهفان من مصاید الشیطان***. (محمدحامد الفقی، محقق). ریاض: مکتبه المعارف.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر. (۱۴۱۹ق). ***تفسیر القرآن العظیم***. (محمدحسین شمس‌الدین، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. (۱۴۱۴ق). ***لسان العرب***. (جمال‌الدین میردامادی، محقق). بیروت: دارصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی. (۱۴۰۸ق). ***روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن***. (محمدمهدی ناصح، محمدجعفر یاحقی، مصححان). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابوحیان، محمدبن‌یوسف. (۱۴۲۰ق). ***البحر المحیط فی التفسیر***. (محمدجمیل صدقی، محقق). بیروت: دارالفکر.
- اشکوری، محمدبن‌علی. (۱۳۷۳). ***تفسیرشریف لاهیجی***. (جلال‌الدین محدث، مصحح). تهران: دفتر نشر داد.
- آلوسی، محمودبن‌عبدالله. (۱۴۱۵ق). ***روح المعاني فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***. (علی عبدالباری‌عطیه، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- امین، نصرت‌بیگم. (بی‌تا). ***مخزن العرفان در علوم قرآن***. اصفهان: گلبهار.
- بغوی، حسین‌بن‌مسعود. (۱۴۲۰ق). ***تفسیرالبغوی المسمی معالم‌التنزیل***. (مهدی‌عبدالرزاق، محقق). بیروت: دارإحیاء التراث العربي.
- بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر. (۱۴۱۸ق). ***انوار التنزیل و اسرار التأویل***. (محمدعبدالرحمن مرعشلی، مصحح). بیروت: دارإحیاء التراث العربي.
- ثعلبی، احمدبن‌محمد. (۱۴۲۲ق). ***الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبي***. (ابی‌محمد ابن عاشور، محقق). بیروت: دارإحیاء التراث العربي.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۷۷/۸/۶). ***درس خارج تفسیر***. https://eshia.ir/fegh/archive/javadi/tafsir/77/
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). ***تسنیم***. (روح‌الله رزقی، محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد. (۱۴۱۰ق). ***الصحاح: تاج‌اللغة و صحاح‌العربیة***. (احمدعبدالغفور عطار، محقق). بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، عبدالله‌بن‌جعفر. (۱۴۱۳ق). ***قرب الإسناد (ط - الحدیثة)***. (موسسه آل‌البیت، محقق). قم: موسسه آل‌البیت.

- خزاز رازی، علی‌بن‌محمد. (۱۴۰۱ق). ***کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر***. (عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، محقق). قم: بیدار.
- راسخ، عبدالمنان. (۱۴۲۴ق). ***معجم اصطلاحات أصول الفقه***. بیروت: دار ابن‌حزم.
- دعاس، احمدعبید و همکاران. (۱۴۲۵ق). ***اعراب القرآن الکریم***، دمشق: دارالفارابي للمعارف.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۴۱۲ق). ***مفردات الفاظ قرآن***. (صفوان‌عدنان داوودی، محقق). بیروت: دارالشامیه.
- زمخشری، محمودبن‌عمر. (۱۴۰۷ق). ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل***. (مصطفی حسین احمد، مصحح). بیروت: دارالکتاب العربی.
- سفارینی، شمس‌الدین ابوالعون محمدبن‌احمدبن‌سالم. (۱۴۰۲ق). ***لوامع الانوار البهیه و سواطع الاسرار الاثریه لشرح الدره المضیه فی عقد الفرقه المرضیه***. دمشق: موسسه الخافقین و مکتبتها.
- سلطان‌علی‌شاه، سلطان‌محمدبن‌حیدر. (۱۴۰ق). ***بیان السعاده فی مقامات العباده***. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر. (۱۴۰۴ق). ***الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور***. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی«ره».
- شبر، عبدالله. (۱۴۱۰ق). ***تفسیر القرآن الکریم***. قم: موسسة دارالهجرة.
- شیخلی، بهجت‌عبدالواحد. (۱۴۲۷ق). ***اعراب القرآن الکریم***. بیروت: دارالفکر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن. (۱۳۷۲). ***مجمع البیان في تفسیر القرآن***. (فضل‌الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، مصححان). تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمدبن‌جریر. (۱۴۱۲ق). ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمدبن‌حسن. (۱۳۸۱ق). ***رجال الطوسی***. نجف: انتشارات حیدریه.
- طوسی، محمدبن‌حسن. (۱۳۵۶ق). ***الفهرست***. نجف: المکتبه المرتضویه.
- علیانسب، سیدضیاءالدین. (۱۴۰۲). تحلیل مفهوم رابطه انتظار با بی‌تفاوتی اجتماعی ـ سیاسی. ***مجموعه مقالات همایش شهید سلیمانی و مکتب انتظار و مقاومت***. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۲۹۵-۳۲۴.
- علیانسب، سیدضیاءالدین. (۱۳۹۸). ***بررسی تطبیقی نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***، قم: نشر معارف.

- عیاشی، محمدبن‌مسعود. (۱۳۸۰ق). ***تفسیر العیاشی***. (هاشم رسولی، محقق). تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. (۱۴۰۹ق). ***کتاب العین***. قم: نشر هجرت.
- فروهی، ناصر. (۱۳۸۴). انتظار فرج. ***فصل‌نامه کلام اسلامی***. ۵۳، صص ۸۰-۹۲.
- فخررازی، محمدبن‌عمر. (۱۴۲۰ق). ***تفسیر کبیر. بیروت:*** دار إحیاء التراث العربی.
- فضل‌الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). ***من وحی القرآن***. بیروت: دارالملاک.
- قمی مشهدی، محمدبن‌محمدرضا. (۱۳۸۶). ***تفسیر کنز الدقائق و بحرالغرائب*** (حسین درگاهی، محقق). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قندوزی، سلیمان‌بن‌ابراهیم. (بی‌تا). ***ینابیع الموده لذوالقربی***. قم: دارالاسوة للطباعة و النشر.
- کاشانی، فتح‌الله‌بن‌شکرالله. (۱۴۲۳ق). ***زبدة التفاسیر***. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
- کاشانی، فتح الله‌بن‌شکرالله. (۱۳۶۳). ***منهج الصادقین فی إلزام المخالفین***. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۵). ***تفسیر روایی جامع***. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). ***التفسیرالکاشف***. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- نجاشی، احمدبن‌علی. (۱۴۰۷ق). ***رجال النجاشی***. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
-